

سیاست‌های نفتی آمریکا؛ دستیابی به اهداف خاص

در حالی که کشورهای تولیدکننده نفت عضو و غیر عضو اوپک می‌کوشند با اتخاذ تدابیر خاص از جمله اجرای طرح کاهش و تثبیت سطح تولید، ثبات را به بازار قیمت نفت بازگردانند، دولت ترامپ تلاش می‌کند با افزایش تولید، بازارهای جهانی را تحت تاثیر قرار دهد.

به گزارش شانا به نقل از ماهنامه انگلیسی زبان ایران پترولیوم، این سیاست در شرایطی از سوی دونالد ترامپ در پیش گرفته شده که آمریکا برای تولید نفت شیل خود نیازمند افزایش قیمت نفت است و کاهش قیمت نفت نمی‌تواند تولید نفت شیل را برای آمریکا از لحاظ اقتصادی به صرفه کند. حال این سوال پیش می‌آید که آمریکا در حالی که نیازمند قیمت بالای نفت برای به صرفه شدن تولید نفت شیل است، بر اساس چه سیاستی با افزایش تولید نفت خود، رویکرد متضادی را برگزیده است.

مطابق پیش‌بینی اداره اطلاعات انرژی آمریکا، مقدار تولید نفت این کشور در اواخر سال ۲۰۱۹ به ۱۱ میلیون بشکه در روز خواهد رسید. این مقدار که به واسطه پافشاری دولت ترامپ بر افزایش تولید نفت شیل روی خواهد داد، دارای پیامدهای قابل توجهی است که از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- تولید ۱۱ میلیون بشکه نفت در روز می‌تواند موجب پیشی گرفتن آمریکا از روسیه به عنوان بزرگ‌ترین تولیدکننده نفت جهان شود.

۲- افزایش تولید نفت آمریکا، از واردات نفت این کشور در طول یک دهه حدود ۲۰ درصد می‌کاهد و موجب کاهش وابستگی این کشور به نفت خارجی خواهد شد.

۳- افزایش میزان تولید، آمریکا را که از سال ۱۹۵۳ به بعد واردکننده خالص انرژی بوده، از سال ۲۰۲۲ به صادرکننده خالص انرژی تبدیل خواهد کرد.

۴- تولید ۱۱ میلیون بشکه نفت در روز می‌تواند آمریکا را از درگیر شدن در بحران‌های نفتی همانند دهه ۷۰ میلادی رها کند و آزادی عمل بیشتری برای سیاست خارجی این کشور ایجاد کند.

۵- افزایش تولید موجب پررنگ‌تر شدن نقش آمریکا در بازارهای جهانی خواهد شد.

اهداف خاص

افزون بر موارد یادشده، دولت ترامپ چند هدف عمده دیگر را نیز از طریق سیاست انرژی خود دنبال می کند:

۱. افزایش تولید نفت در آمریکا دارای پیامدهای اقتصادی و سیاسی قابل توجهی در فضای داخلی این کشور خواهد بود و هم می تواند ترامپ را در عمل به وعده های انتخاباتی کمک کند و راه را برای انتخابات مجدد او هموار سازد. زیرا این سیاست موجب ایجاد فرصت های شغلی به ویژه در مناطق روستایی خواهد شد. هم اکنون میزان صادرات انرژی آمریکا ۱،۷ میلیون بشکه نفت خام و حدود ۳،۸ میلیارد فوت مکعب گاز طبیعی است، افزایش سطح تولید نفت می تواند به افزایش در صادرات منجر شود که این موضوع به نوبه خود تاسیسات بهره برداری و خطوط انتقال انرژی را توسعه می دهد و سبب ایجاد فرصت های شغلی و رونق اقتصادی در مناطق روستایی و دورافتاده آمریکا خواهد شد. افزون بر موارد یادشده، افزایش سطح تولید موجب کاهش بهای انرژی مصرفی در داخل آمریکا نیز خواهد شد. چنانکه قیمت گازوییل و بنزین برای مصرف داخلی به نسبت گران ترین دوره که سال ۲۰۰۸ بود، حدود ۳۷ درصد کاهش می یابد. همچنین سیاست افزایش تولید نفت می تواند به استفاده از گاز شیل به جای ذغال سنگ در نیروگاه ها بینجامد و با کاهش میزان تولید گازهای گلخانه ای از دغدغه مخالفان زیست محیطی ترامپ نیز بکاهد. در نتیجه آن چه دولت آمریکا در بخش نفت و گاز دنبال می کند، موجب ایجاد شغل، افزایش رفاه و نقش آفرینی آمریکا در بازارهای جهانی خواهد شد که همگی در جهت وعده های انتخاباتی ترامپ قابل ارزیابی هستند.

۲. یکی از اهداف پنهان دولت ترامپ از سیاست افزایش عرضه نفت و کاهش بهای آن می تواند تصاحب سهام شرکت ملی نفت عربستان «آرامکو» باشد. دولت عربستان به منظور جبران کسری بودجه هنگامت خود قصد دارد به عرضه سهام شرکت آرامکو بپردازد. با توجه به آن که بورس عربستان برای شرکت بزرگی مانند آرامکو کوچک است، احتمال عرضه این سهام در بورس نیویورک وجود دارد. شرکت آرامکو دست کم ۲ هزار و ۵۰۰ میلیارد دلار ارزش دارد و قیمت ۵ درصد سهام آن به ۱۲۵ میلیارد دلار می رسد که بیشتر از ارزش شرکت انگلیسی بریتیش پترولیوم و شرکت توتال فرانسه است. دولت سعودی در تعیین ارزش سهام شرکت آرامکو، ارزش ذخایر نفتی و گازی عربستان را هم محاسبه خواهد کرد که این اقدام به معنای فروش مالکیت بخشی از ذخایر نفتی و گازی عربستان به طرف های خارجی است. در چنین شرایطی کاهش بهای نفت می تواند موجب کاهش ارزش سهام شرکت آرامکو شود و ترامپ از طریق شرکت های تحت حمایت خود به خرید ارزان این سهام بپردازد.

این معامله در حالی اتفاق خواهد افتاد که محمد بن سلمان، هم برای جانشین شدن به جای پدر و هم به منظور پیشبرد سیاست‌های به اصطلاح اصلاح طلبانه خود ناگزیر به اعطای امتیازات گسترده به امریکایی‌هاست. زیرا او عملاً پایه‌های سنتی دوام و بقای حکومت خاندان سعودی را که همان حمایت شاهزاده‌ها و علمای وهابیون بوده از دست داده و بدون حمایت ضلع سوم یعنی بازیگران خارجی نمی‌تواند اهداف بلندپروازانه خویش را پیش ببرد. آنچه این گمانه‌زنی را تقویت می‌کند، صحبت‌های خالد الفالح وزیر انرژی عربستان است که در پاسخ به پرسشی درباره این که «آیا عربستان سعودی نگران وعده ترامپ درباره استقلال در حوزه انرژی نیست؟» گفته است: «ما با افزایش عرضه داخلی نفت آمریکا مشکلی نداریم. من بارها بر این موضوع تاکید کرده‌ام که این افزایش عرضه به موازات افزایش تقاضا برای نفت خام رخ می‌دهد و ما از این شرایط استقبال می‌کنیم. ترامپ سیاست‌هایی دارد که برای صنعت نفت جهان خوب است و باید از این سیاست‌ها قدردانی کرد!» این اظهارات مقام نفتی آل سعود در حالی مطرح شده که عربستان سعودی در دو سال اخیر، هدف خود مبنی بر مقابله با تولید نفت شیل را پنهان نکرده بود.

با این اوصاف، می‌توان پیش‌بینی کرد که معامله‌ای میان دولت ترامپ و عربستان سعودی در حال شکل‌گیری است و بر مبنای آن، چرخش سیاست سعودی‌ها در قبال افزایش تولید نفت شیل آمریکا که می‌تواند به کاهش بهای نفت در بازارهای جهانی منجر شود، دچار تغییر شده است.

دورنما

اگرچه کاهش بهای نفت در بازارهای جهانی می‌تواند سبب کاهش نرخ بهره‌وری تولید نفت شیل در آمریکا شود، افزایش تولید برای دولت ترامپ مزایای زیادی دارد، زیرا از یک سو می‌تواند ترامپ را برای دستیابی به وعده‌های انتخاباتی‌اش یاری دهد و از سوی دیگر به کنترل بازارهای جهانی از سوی آمریکا منجر شود. دولت آمریکا به هیچ وجه قصد ندارد همچون گذشته نقش یک مصرف‌کننده صرف را در بازارهای جهانی داشته باشد، بلکه ورود به عرصه تولید و صادرات هم این کشور را از تهدیدهای بحران‌های انرژی در جهان مصون نگه می‌دارد و هم می‌تواند به عاملی برای کنترل شرکا و رقبای واشنگتن بدل شود. به عنوان مثال آمریکا با ورود چشمگیر به بازار صادرات نفت می‌تواند بر سیاست‌های انرژی کشورهای اروپایی، روسیه، چین و عربستان سعودی تاثیرگذار باشد.